



تبلیغ یک فیلم سینمایی ایرانی در اصفهان

# آگاهی نوین از اسلام

در اسلام جریانی اصلاح طلبانه وجود دارد، جریانی که نسبت به خاستگاه‌های خود رویکردهای انتقادی دارد. به قول فیلسوف مراکشی عبدو فیلالی - انصاری\* اگر مسلمانان مجال بیشتری برای بحث و گفت و گو بیابند، ممکن است مذهب و سیاست دیگر چندان پیچیده و درهم تنیده ننماید.

**گفت و گو کننده: سوفی بخاری**

خبرنگار پیام یونسکو

تازه کتاب‌های آسمانی را بررسی کنند. این روشنفکران سرگذشت مسلمانان نخستین را به عنوان منبع اصلی و هم طراز با قرآن و سنت در نظر گرفتند. (ر.ک ص ۴۱) بازگشت آنها به ریشه‌ها یک حرکت دفاعی بود. آنها می‌خواستند به مسلمانان قوت قلب دهند و با توضیح این که مذهب‌شان با پیشرفت همراه است بر اعتماد به نفس آنان بیفزایند.

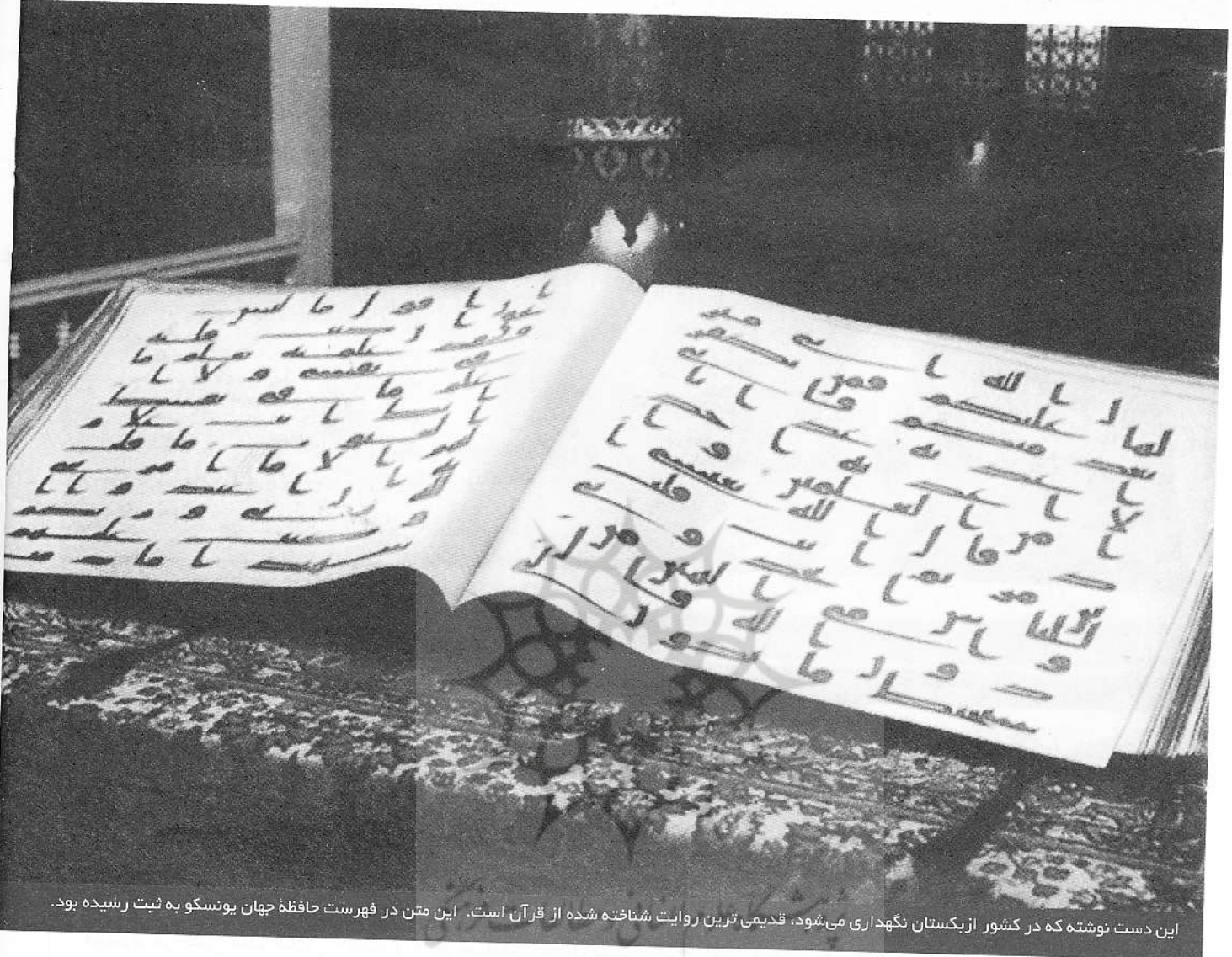
مهم‌ترین اتفاق در تاریخ معاصر اندیشه اسلامی بعدها در دهه ۲۰، با بروز دو دستگی در جنبش اصلاحی رخ داد. در یک سو حسن البنا، یک مصری بنیانگذار اخوت اسلامی و در سوی دیگر، علی عبدالرازق باز هم مصری و پیشگام جنبش انتقادی در اسلام قرار داشتند.

پی بردند که بسیاری از مسائل همانند واقعیت‌های انکارناپذیر تغییرات هوا یا بیماری‌ها، مسائلی وابسته به قضا و قدر نیستند. همچنین تغییر نظام اجتماعی دیگر غیر ممکن به نظر نمی‌رسید. انقلاب‌ها می‌توانستند خودکامگان را نابود کنند و مردم می‌توانستند سطح زندگی‌شان را بهبود بخشند.

از هند و شمال آفریقا، گروه عظیمی از متفکران سر برآوردند و اعلام کردند که اسلام، در بدو امر حرکتی به سوی این نوگرایی قدرتمند بوده است. اما جمال‌الدین افغانی در ایران، محمد عبده در مصر و دیگران از شیوه اصلاح طلبان مسیحی پیروی نکردند تا مثل آنها، برداشت‌های پیشین را دور بریزند و خودشان بادی

از قرن نوزدهم تاکنون، بسیاری از متفکران مسلمان در پی «اصلاح» تفکر اسلامی بوده‌اند، اما کوشش‌های آنها به ندرت به نظام‌های اسلامی مدرن منتهی شده است چرا؟

هنگام بروز بحران مردم تمایل دارند به ریشه‌هایشان بازگردند. در قرن نوزدهم، حرکت‌های اصلاح‌طلبانه بسیار قدرتمند بود، زیرا با ظهور استعمار، تجدید به دارالاسلام نیز وارد شد. تجدید یا نوگرایی به آن معنا که مردم رابطه‌شان را هم با دنیا و هم با خودشان تغییر دهند. آنها برای اولین بار، به واسطه علم،



این دست نوشته که در کشور ازبکستان نگهداری می‌شود، قدیمی‌ترین روایت شناخته شده از قرآن است. این متن در فهرست حافظه جهان یونسکو به ثبت رسیده بود.

## رتال جامع علوم انسانی

هنگام رحلت پیامبر(ص)، عربستان دین جدید را پذیرفته بود و پیامبر قصد داشت برای بردن این آیین جدید به سوریه، هیئتی را به آنجا اعزام کند. شرایط تاریخی، مدینه را به مرکز تبلیغات دینی تبدیل کرد. اما پیامبر فرامین صریحی از خود برجای گذاشت: هرگز برای دعوت مردم به دین از زور استفاده نکنید.

اما در قرآن آیه بسیار خشنی هست که می‌گوید: «پس چون ماه‌های حرام به سر آمد، مشرکان را هر جا که یافتید بکشید و به اسارت بگیریدشان و محاصره‌شان کنید و همه جا در کمین‌شان بنشینید.»<sup>۱</sup>

بله، آن سوره در واقع خیلی خشن است و در یک موقعیت جنگی بر پیغمبر اسلام نازل شده بود، زمانی که مشرکان بقای مسلمانان را تهدید می‌کردند. همراه

سیاسی نبود، بلکه اجتماعی مذهبی بود، محمد در جامعه‌ای به دنیا آمد که در آن حکومتی نبود. قبائل مگر چهار ماه از سال، دائما با هم در نبرد بودند. او در چنین محیطی ده سال موعظه کرد اما تنها پیروانی که جذب کرد، بردگان، زنان و قبایل کوچک مطرود بودند. از این رو او در ۶۲۲ (به تقویم میلادی) (سفر حضرت محمد از مکه به مدینه مبنای سال هجری است) به مقصد مدینه حرکت کرد، جایی که موفق به آشتی دادن دو قبیله دشمن و برپایی نخستین اجتماع مسلمانان شد. این اجتماعی بود ضد قبیله‌ای، اجتماعی که هویت یافتن از طریق وابستگی به قبیله‌ای خاص را رد می‌کرد. به آن ملحق می‌شدند که مسلمان شوند. اوایل کار به سادگی و فقط با ادای یک سوگند «شهادتین» انجام می‌شد. اما این اجتماع توسط دیگر قبائل مورد حمله قرار گرفت و پیغمبر اسلام مجبور بود که از خود دفاع کند و تبدیل به یک مبارز شود.

پس از ترجمه اثرش، می‌توانم بگویم او نخستین فردی بود که با دیدی منتقدانه ریشه‌ها را بررسی کرد. او تأکید داشت که اصول اساسی اسلام، اطاعت و مشورت، قوانین سیاسی نیستند بلکه ارزش‌های اخلاقی‌اند. یک فرد مسئول از لحاظ خانوادگی، شغلی یا سیاسی در ازای اطاعت شدن باید از تصمیم‌گیری‌های فردی و خودکامانه احتراز کند و به آرا و عقاید افراد تحت حمایت‌اش احترام بگذارد. عبدالرازق نشان داد با وجود اینکه مسلمانان نظام سیاسی اسلامی را پی‌ریزی کرده‌اند، اما هیچ تکلیف مذهبی‌ای مبنی بر این کار وجود ندارد. بنابراین می‌بینید که در اینجا تفاوت بزرگی در میان است.

اما حضرت محمد (ص) مدینه‌ای اسلامی را بنیان نهاد که نیروی محرکه عالم‌تصور مسلمانان بود. علاوه بر این خود او یک مبارز بود. چیزی که محمد در مدینه بنیان گذاشت موجودیتی

۱- قرآن، سوره توبه آیه ۵ ترجمه بهاء الدین خرمشاهی، انتشارات دوستان، ۱۳۸۰

می‌گیرد درباره اسلام صحبت می‌کنند و چنین وانمود می‌کنند که نمی‌دانند افراط‌گرایان فقط یک اقلیت‌اند. تمام اینها نوعی زمینه‌چینی برای یک جنگ «صد ساله» جدید و ایجاد شکاف عمیق بین اسلام و غرب است.

**پس شما با نظر ساموئل هانتینگتون درباره «برخورد تمدن‌ها» موافق اید.**

نه. هانتینگتون این برخورد را به عنوان مسئله‌ای تقریباً زیست‌شناختی مطرح می‌کند، گویی که ما اساساً متفاوت بوده ایم، گویی که فرهنگ طبیعی ثابته است. در واقع، برخورد یک سازه تاریخی است، محصول شرایطی ویژه و گزینه‌های سیاسی است.

**پس شما اسلام را مخالف دموکراسی و حقوق بشر و غیر نمی‌دانید.**

دموکراسی و حقوق بشر پیروزی‌های اخیر انسانیت‌اند. این ارزش‌هایی که افراط‌گرایان و هانتینگتون غربی می‌دانند، در واقع جهانی‌اند. دموکراسی مانند آتش یا اعداد عربی متعلق به بشریت است، اسلام نه موافق و نه مخالف آن است. البته غربی‌ها زودتر به دموکراسی دست یافتند، اما آنها هم در شرایط تاریخی خاصی به آن رسیدند و آنها هم پیش از کنار نهادن بخشی از میراث مذهبی شان دچار مناقشات خشونت‌آمیز بوده‌اند.

در کشورهای مسلمان، مکتب انتقادی زمانی می‌تواند فرصت رشد پیدا کند که حداقل آزادی وجود داشته باشد. به تاریخ معاصر ایران نگاه کنید. در دهه ۵۰، این کشور از لحاظ توسعه همانند یونان بود. اگر سیا برای حمایت از شاه، دکتر محمد مصدق را سرنگون نمی‌کرد، و احتمالاً از نفت کشور برای حرکت به سمت دموکراسی استفاده می‌کرد.

اما شاه تمام مخالفان را سرکوب کرد و تسلط آمریکا را پذیرفت. مسلمانان بار دیگر مجبور شدند به سمت ریشه‌های هویت اسلامی‌شان بازگردند. حتی گروه‌های چپ‌گرای ایرانی نیز برای مبارزه با دیکتاتوری شاه عاقبت از آیت الله خمینی حمایت کردند. ■

با استعداد و جوان‌شکل گرفت که ۱۵۰ سال پس از وفات پیامبر (ص) به دنیا آمد. اسلام نخستین تنها از حدود (محدودیت‌ها و ناپیداها) سخن می‌گوید که بیشتر شبیه فرمان‌هایی است دایر بر اینکه مردم را نکشید یا زنان یکدیگر را تصرف نکنید. فقهای مسلمان از این حدود به شیوه‌های مختلف استفاده کردند تا قوانین و سنت‌ها را بر مبنای اخلاقی استوار سازند. اما شافعی از این هم فراتر رفت و از حدودی که در قرآن آمده برای ارائه قوانین برای تمام جنبه‌های رفتاری انسان استفاده کرد.

**در تمامی برهه‌های تاریخ اسلام این افراطیون هستند که پیروز می‌شوند. چرا؟**

زیرا بسیار پیش از اینها، سیاست مذهب را مستمسک قرار داد و مناظرات مذهبی بعدی همیشه تحت نفوذ ملاحظات سیاسی بود و «دستاویزی» شد برای اهداف تعصب‌آمیز.

**اجازه دهید راجع به این شاخه جدید بنیادگرای اسلام صحبت کنیم که در اوایل قرن بیستم در تقابل با آنچه شما حرکات انتقادی می‌نامید، به وجود آمد. چرا تا به این اندازه محبوبیت یافت؟**

عامل موفقیت بنیادگرایی دو نیروی مهم‌اند که چون آرواره‌هایی پولادین ما را در میان گرفته و خرد می‌کند، این دو عامل عبارت‌اند از رژیم‌های محلی و نظم نوین جهانی تحت سلطه «غرب». اینها همچنین در همه جا برای مبارزه با جنبش‌های چپ و آزادیخواهانه مورد استفاده قرار گرفته‌اند. همانطور که شرفی در کتابش «اسلام و آزادی» اشاره می‌کند، رژیم‌های عرب و مسلمانان نه تنها بودجه این حرکت‌ها را تأمین می‌کنند بلکه سیاست‌هایی آموزشی برای تعلیم دیدگاه بنیادگرایانه اسلام نیز تدوین کردند. از این رو اندیشه تقابلی ابدی در ذهن مردم ریشه دوانده است. نسل‌های جوان از اندیشه‌های جهان‌شمول دور افتاده‌اند. دیگر فلسفه در کشور‌های مسلمان تدریس نمی‌شود یا اگر می‌شود آن قدر محدود صورت می‌گیرد که کمترین تأثیر را داشته باشد. نیروی مهم دیگری که به بنیادگرایی کمک می‌کند مرتبط با سیاست‌های بین‌المللی و روابط اقتصادی بین شمال و جنوب است. از آنجا که کشورهای ثروتمند از حکومت‌های استبدادی حمایت می‌کنند، مسجد تنها جایی است که نظم اقتصاد جهانی و محلی می‌تواند در آن مورد بحث قرار گیرد. علاوه بر اینها آنچه حملات خارجی تلقی می‌شود، مانند حمایت عظیم غرب از دولت اسرائیل و بمباران عراق، سر بر نیکا (بوسنی) و اکنون افغانستان نیز مطرح است. رسانه‌های همگانی هم مسئولیت سنگینی بر عهده دارند زیرا آنها فقط هنگامی که حملاتی صورت

با این آیه، یکی دیگر از فرمان‌های پیغمبر اسلام را نقل می‌کنم: «مردمان شریف، از شکستن درختان، سوزاندن خانه‌ها یا تجاوز به زنان، برحذر باشید.» این چیزی است که مردم را به سوی اسلام جلب کرد.

**بعد از وفات پیامبر در سال ۶۳۲، اجتماع مسلمانان به صورت یک حکومت واقعی در آمد.**

مسلمانان فوراً بر سر این مسئله اختلاف پیدا کردند. گروهی از آنها که طرفدار خلافت به رهبری یک رئیس منتخب توسط یک شورا بودند، امور را به دست گرفتند. طرفداران علی که خواستار حکومت خانواده پیامبر (ص) بودند، شیعه را به وجود آوردند. اما گروه سومی نیز بودند که همواره فراموش شده‌اند. اینان اولین مسلمانان همانند مالک ابن نویره و ابوذر بودند، که می‌گفتند: «ما اجتماعی مذهبی هستیم، چرا یک حکومت بنا کنیم؟» آنها اعدام یا تبعید شدند. در طول قرن‌ها، متفکران بسیاری که از نظرات آنها پیروی می‌کردند، به همین سرنوشت دچار شدند. سرگذشت آنها هرگز نوشته نشده است.

**چرا نوشته نشده؟**

هیچ مقامی اجازه این کار را نداد. در قرن بیستم، حرکت‌های انتقادی همچنان در حاشیه ماند اما از بین نرفت. علی عبدالرازق وارثان معنوی بسیاری مانند محمد محمود طاهار در سودان داشته است، که در ۱۹۸۵ توسط رئیس جمهور سودان، جعفر نو میری، به دار آویخته شد و نوشته‌هایش در ده‌ها هزار نسخه به فروش رفت. اکنون محمد طالبی و عبدالمجید و محمد شرفی در تونس، و فضل الرحمان در پاکستان فعالیت دارند. همه آنها ادعان دارند که طرفداران «حکومت» به دلایل تاریخی پیروز شدند و موجودیت شان را بر پایه یکی از تفاسیر ممکن از متون مذهبی قرار دادند. واضح است که این افراد راه نمی‌افتند و آدم نمی‌کشند...

**اما سواى تاریخ، موانع قابل ملاحظه‌ای برای انتقاد از قرآن وجود دارد، از جمله اعتقاد به «قدیم بودن قرآن و ماهیت الهی آن است.**

این اندیشه بعدها، سه یا چهار قرن بعد از رحلت پیامبر (ص)، شکل گرفت. این اندیشه ابتدا برای یک اقلیت مطرح شد اما متکلمانی که مدافع آن بودند به سختی آزار دیدند، به گونه‌ای که حمایت توده‌هایی را به دست آوردند و توانستند به این وسیله دیدگاه خود را بر عموم تحمیل کنند. حتی مهم‌تر از آن مفهوم «شریعت» است به معنای اداره همه جنبه‌های زندگی یک مسلمان، که تقریباً ۲۰۰ سال پس از رحلت پیامبر (ص) شکل گرفت. باید بر این نکته تکیه شود زیرا نشانگر قطع ارتباطی مهم با گذشته است. این شریعت توسط محمد ابن ادریس شافعی متفکر بسیار

\* نویسنده چندین کتاب درباره اسلام و ویراستار مقدمه ژورنال North African Book review